

هم افزایی سیاست صنعتی و خارجی محسن شریعتی نیا، کارشناس اقتصادی

موج

تفکر توسعه در ایران نسبت به بسیاری از کشورهای در حال پیشرفت، از سابقه طولانی تری برخوردار است اما علیرغم این سابقه، ایرانیان نتوانستند بسیاری از مولفه های توسعه را از حالت انتزاعی و نظری خارج کرده و عملی سازند.

یکی دیگر از ویژگی های تفکر توسعه در ایران، تغییرات شدید در آن به تناسب تغییراتی است که در محیط بیرونی رخ داده است. در وضعیت کنونی، موضوع ادغام وزارتخانه ها نیز یکی دیگر از اینگونه تأثیرپذیری هاست که متأثر از فضای جهانی که اولویت را به کارآمدی بوروکراسی ها و کوچک کردن آنها می دهد، صورت گرفته است.

شکل گیری وزارت صنعت، معدن و تجارت، یکی از نمادهای مهم روند ادغام در سال های اخیر به شمار می رود. زیرا در پرتو این اقدام، امید می رود که سیاستگذاری صنعتی و تجاری کشور یکپارچه شود اما شاید بتوان گفت به منظور موثر شدن سیاست گذاری صنعتی کشور به یک مولفه اساسی دیگر نیز نیاز است و آن، سیاست خارجی است. به بیان دیگر، هم افزایی و مکمل بودن سیاست خارجی و صنعتی و تجاری یک کشور، از پیش شرط های اساسی توفیق آن در صحنه بین المللی به شمار می آید. قدرت های نوظهور مانند برزیل، هند و چین، نماد این امر هستند. زیرا سیاست خارجی آنان هم راستا با سیاست صنعتی و تجاری این کشورها متحول شده و بسترهای بین المللی لازم برای توسعه و ارتقای جایگاه آنان در اقتصاد جهانی را فراهم آورده است.

این در حالی است که در ایران، هیچ گونه رابطه منطقی میان نهادهای متولی امر سیاست گذاری صنعتی و تجاری با نهادهایی که سیاست خارجی کشور را مدیریت می کنند، وجود ندارد. شاهد این مدعا، آنکه از یک سو تلاش می شود تا در قالب وزارت صنعت، معدن و تجارت سیاست گذاری تجاری و صنعتی کشور یکپارچه گردد از دیگر سو، در تحولی که در ارکان وزارت خارجه صورت می گردد، "معاونت اقتصادی" این وزارتخانه حذف می شود.

بنابراین، یکی از خلاء های قانونی و فکری بسیار مهم در سیاست گذاری تجاری و صنعتی کشور، فقدان رابطه ای منطقی و هم افزا میان نهادهای متولی این امر با نهادهای متولی سیاست خارجی است. این در حالی است که در عالم واقع، توسعه صنعتی هر کشوری بیش از هر عاملی از سیاست خارجی آن تأثیر می پذیرد.

این نابهنجاری و ضعف در سیاست توسعه ای کشور، ریشه در توسعه نیافتگی تفکر توسعه در ایران دارد. از یک سو، به نظر می رسد در طراحی ها و سیاست گذاری های نهادهای اقتصادی کشور، متغیر های سیاسی کاملاً نادیده انگاشته می شوند و در غیاب این عوامل، سیاست گذاری ها صورت می گیرد. از دیگر سو، تفکر سیاست خارجی در ایران، به شدت سنتی است و تنها معطوف به مسائل ژئوپلتیک به معنای "قرن نوزدهمی" آن است و هیچ گونه رسالتی برای شکوفایی اقتصاد و صنعت کشور در این تفکر تعریف نشده است. پیامد این امر، روشن است و آن اینکه معمولاً اهداف سیاست توسعه ای کشور چندان محقق نمی گردد.

بنابراین می توان گفت در صورتی روند ادغام و یکپارچه سازی سیاست گذاری صنعتی و تجاری کشور موفق خواهد بود که نهادهای سیاست خارجی نیز با این روند هم راستا گردند. گرچه نمی توان از ادغام وزارت صنعت، معدن و تجارت با وزارت امور خارجه سخن گفت، اما تجربه کشورهای موفق در حال توسعه همچون چین و ترکیه، حاکی از این امر است که آنان تنها زمانی در مسیر موفقیت قرار گرفتند که سیاست خارجی خود را با سیاست صنعتی و تجاری هم راستا نمودند.

کوتاه سخن آنکه موفقیت نهایی در مسأله ادغام، نیازمند یک گام راهبردی دیگر نیز هست و آن، هماهنگی حداکثری سیاست خارجی و سیاست صنعتی در نظر و عمل می باشد.